

مالکیت خانواده (خانواده به عنوان شخصیت حقوقی)

موسی رحیمی*

رضا رحیمی دهنسوری**

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۰

چکیده

تبیین حق مالکیت در نهاد خانواده از آنجا که آرامش روحی و امنیت مالی زوجین را به دنبال دارد دارای اهمیت فراوان است و ما در این نوشتار به بررسی این موضوع پرداخته‌ایم. انواع روابط مالی زوجین مشتمل است بر: الف) ولایت مرد بر زن ب) اشتراک دارایی‌ها ج) افتراق دارایی‌ها؛ درحالی‌که دیدگاه فقه و حقوق موضوعه در این زمینه عبارت است از: افتراق کامل دارایی‌ها و مستقل بودن هر یک از زن و مرد، با این بیان که زن همانند مرد بر دارایی خود سلطه دارد و می‌تواند هرگونه تصرفی که بخواهد نسبت به دارایی خود انجام دهد. زن و شوهر، مالکیت خود را بر اموالی که پیش از ازدواج داشته‌اند حفظ می‌کنند (برخلاف رژیم اشتراک کامل) و در مورد اموالی که هر یک از آنان بعد از ازدواج به دست می‌آورند نیز چنین است. در پایان به بررسی نهاد خانواده به عنوان یک شخصیت حقوقی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: خانواده، مالکیت، شخصیت حقوقی، استقلال مالی زوجین.

* قاضی دادگستری و دانش‌آموخته‌ی سطح چهار (دکتری) حوزه‌ی علمیه‌ی قم. (نویسنده مسؤؤل).

ahmadrahimi3000@gmail.com

** قاضی دادگستری و دانشجوی دکتری فقه و حقوق دانشگاه قم.

rezarahimi127@yahoo.com

مقدمه

همان‌گونه که در قرآن کریم نیز اشاره شده است هدف از ازدواج و تشکیل خانواده این است که زن و مرد در کنار یکدیگر به آرامش برسند. برای تحقق این هدف باید تمامی جوانب مربوط به خانواده مورد توجه قرار گیرد.

مالکیت خانواده، یکی از امور مهمی است که غفلت از آن می‌تواند ضمن ایجاد اختلاف، آرامش زندگی مشترک را نیز سلب نماید؛ لذا با عنایت به نقش و جایگاه ویژه‌ی نهاد خانواده در نظام حقوقی اسلام، ضرورت دارد که به منظور رفع تنازع فی‌مابین اعضای خانواده بر سر مالکیت اموال مشترک و لزوم تدوین قوانین جدید، با بررسی حق مالکیت در خانواده و موارد اختلاف در اموال، از منظر فقه و حقوق به تحقیق پیرامون این موضوع بپردازیم؛ به عنوان مثال: وقتی زوجین و فرزندان، هر کدام درآمدی را کسب و آن را به هر نحوی وارد زندگی مشترک می‌کنند در این صورت مالکیت بر این اموال چگونه است؟ آیا تصور شخصیت حقوقی برای خانواده و سپس قایل شدن به مالکیت خانواده (نه اشخاص) به عنوان یک شخصیت حقوقی از دیدگاه فقهی و حقوقی امکان‌پذیر است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چه آثاری را در پی دارد؟ در همین راستا ابتدا به تعریف اصطلاحات کاربردی و سپس به تبیین مباحث اصلی موضوع این پژوهش می‌پردازیم.

تعریف خانواده

(۱) خانواده در لغت

خانواده شامل اهل خانه یعنی پدر، مادر و فرزندان، به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی می‌باشد که از آن در باب‌های مختلف نظیر حج، تجارت، حدود و نکاح سخن رفته است.^۱

(۲) خانواده در فقه

در کتاب‌های فقهی، لفظ خانواده یا معادل عربی آن کاربرد چندانی نداشته و بیشتر الفاظی مانند «زوجین و اولاد» به کار می‌روند؛ به همین جهت لفظ «خانواده» یا معادل عربی آن،

۱- جمعی از پژوهشگران زیرنظر هاشمی‌شاهرودی، سیدمحمد؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام، جلد سوم، چاپ اول، مؤسسه‌ی دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۲۶ق، ص ۳۲۱.

یک اصطلاح فقهی نیست. البته فقهای معاصر معمولاً مسائلی را تحت عنوان «احکام خانواده» یا «احکام الاسره» ذکر نموده‌اند.

۳) خانواده در حقوق موضوعه

علی‌رغم اینکه خانواده در حقوق موضوعه بسیار مورد توجه قرار گرفته است لکن تعریفی از آن ارائه نگردیده و اعضای آن نیز مشخص نشده است. اگرچه در قانون بیمه‌های اجتماعی نیز اشاره‌هایی به آن شده است اما این اشاره‌ها صرفاً مربوط به اهداف خاص همان بیمه‌های اجتماعی می‌باشد. اما در نگاه حقوقدانان، خانواده عبارت است از یک واحد اجتماعی که از ازدواج یک زن و یک مرد به وجود می‌آید و فرزندان حاصل از آن ازدواج، آن را تکمیل می‌نمایند. یا در تعریفی دیگر، به عنوان گروهی است که به دلیل قرابت یا زوجیت، همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته و تحت رهبری و ریاست یک مقام قرار گرفته است.^۱

تعریف مالکیت

۱) مالکیت در لغت

ملکیت یا مالکیت در لغت دارای چند معنی است که مناسب‌ترین آنها مطابق تعریف فقها، احتوا و استیلا بر شیء است.

«الملک لغة - بفتح المیم و کسرهما - هو احتواء الشیء و القدرة علی الاستبداد به و التصرف بانفراد».^۲

۲) مالکیت در فقه

ملکیت همانند زوجیت، ابوت، بنوت و... از جمله امور اعتباری است که عقلاً آنها را براساس نیازشان و جهت تنظیم روابط اجتماعی، وضع و اعتبار نموده‌اند. ملکیت برخلاف مالک و مملوک، امر خارجی نیست که قابل اشاره‌ی حسّی باشد. فقها تعاریف گوناگونی از مالکیت ارائه کرده‌اند که به ذکر ترجمه‌ی برخی از آنها می‌پردازیم: «بودن شیء به طوری که

۱- عاملی، باقر؛ حقوق خانواده، چاپ اول، مدرسه‌ی عالی دختران ایران، ۱۳۵۰، ص ۱۲۲.

۲- ابن منظور، محمدبن مکرم؛ لسان العرب، چاپ سوّم، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴. ق، ص ۴۹۲.

بتوان هم از خود آن و هم از عوضش بهره‌مند شد». «نسبت میان مالک و مملوک».^۱
«اعتبار احاطه‌ی مالک بر مملوک»^۲

۳) مالکیت در حقوق موضوعه

قانون مدنی، واژه‌ی مالکیت را تعریف نکرده است ولی از اوصاف و آثار آن می‌توان اجمالاً تعریف مالکیت را به دست آورد. در این زمینه گفته شده که مالکیت دارای سه هدف اساسی است: (۱) مطلق بودن (۲) انحصاری بودن (۳) دائمی بودن.^۳

«قانون مدنی، تعریفی از مالکیت نکرده است و فقط دو قسم آن را (مالکیت عین و مالکیت منفعت) بیان کرده است. مالکیت، مفهومی است که هر کس چیزی از آن می‌داند اما موقع دادن یک تعریف، کسی جان سالم از معرکه‌ی اندیشه در نمی‌برد؛ زیرا تعریف آن دشوار است».^۴

شخصیت حقوقی

۱) ماهیت شخصیت حقوقی

شخص حقوقی، عبارت از دسته‌ای از افراد است که دارای منافع و فعالیت‌های مشترک هستند یا مشتمل بر پاره‌ای از اموال است که به هدف خاصی اختصاص داده شده‌اند و قانون، آنها را طرف حق می‌شناسد و برای آنها شخصیت مستقلی قایل است؛ مانند: دولت، شهر، دانشگاه، شرکت‌های تجاری و موقوفات.^۵

۱- انصاری، شیخ مرتضی؛ رسائل، چاپ اول، کنگره‌ی شیخ انصاری، قم، ۱۴۱۵، ق، ص ۱۲۶.

۲- خوبی، ابوالقاسم؛ مصباح الفقاهه، ج ۲، چاپ اول، انتشارات داور، قم، ص ۴۴.

۳- کاتوزیان، ناصر؛ دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، چاپ پنجم، انتشارات مدرسه‌ی عالی حسابداری، تهران، ۱۳۷۲، ص ۹۹.

۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۶۸، ص ۸۸.

۵- صفایی، حسین؛ دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات مدرسه‌ی عالی حسابداری، ۱۳۵۰، ص ۵۲.

۲) شرایط و عوامل ایجاد شخصیت حقوقی

بررسی معنی و مفهوم شخصیت حقوقی، این پرسش را در ذهن ایجاد می‌کند که برای تحقق این عنوان و ایجاد شخصیت حقوقی به چه شرایط و عواملی نیازمندیم؟ در پاسخ باید گفت که برای فراهم آوردن شخصیت حقوقی عوامل زیر لازم است:

الف) افراد انسانی.

ب) مصلحت خاصی که اقتضا نماید تا آن افراد به عنوان جمعی، موضوع حق و تکلیف قرار گیرند.

ج) اعتبار دادن قانون به دو عامل فوق؛ یعنی اینکه تحت عامل جمعی بتوانند موضوع حق و تکلیف قرار گیرند.

البته این تقسیم‌بندی، بسیار کلی است و نمی‌تواند نسبت به تمامی مصادیق شخص حقوقی صحیح باشد.^۱ در نتیجه برخی دیگر از صاحب‌نظران، عناصر تشکیل‌دهنده‌ی شخصیت حقوقی را دو دسته دانسته‌اند:

الف) وجود یک واقعیت خارجی که باید حمایت شود و آن عبارت است از اجتماع منافع و هدف‌های خاص.

ب) وجود مجموعه‌ای از مقررات حمایتی که برای حفظ منافع شخص حقوقی باید وضع شده باشد. این مطلب همان چیزی است که حقوقدانان فرانسوی به آن اشاره کرده‌اند.^۲

۳) آثار شخصیت حقوقی

ماده‌ی ۵۸۸ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه‌ی حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قایل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد؛ مانند: حقوق و وظایف ابوت، بنوت و امثال آن. براساس این ماده‌ی قانونی، میان شخص حقیقی و حقوقی نسبت به حقوق، هیچ‌گونه تفاوتی وجود ندارد جز در حقوقی که شخص نمی‌تواند موضوع آنها واقع شود.

۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ مقدمه‌ی عمومی علم حقوق، گنج دانش، تهران، ۱۳۶۱، ص ۱۲۳.

۲- همان؛ ص ۱۲۳.

از جمله آثار شخصیت حقوقی، مالکیت آن است. دایره‌ی ملکیت نزد عقلا به تدریج از دایره‌ی اشخاص، فراتر رفته است. از یک طرف، اعیان خارجی و از سوی دیگر عنوان‌های عامی را در بر گرفته که به گروهی از مردم ناظر است؛ چنان که امروزه از ناحیه‌ی دیگر، عناوین معنوی و اعتباری محض را نیز در بر گرفته است. شریعت اسلامی از آغاز، نگرش خود را در زمینه‌ی مالکیت، بر همین معنای گسترده بنا نهاده است که شامل تمام این اقسام می‌گردد. «اعیان خارجی» شامل مسجد و دیگر مکان‌های عبادی و تأسیسات عمومی است که با وقف و نظایر آن مالک املاک و مستغلات می‌شوند. «عناوین عامه» شامل زکات است که ملک مستمندان به شمار می‌آید و برای «عناوین معنوی و اعتباری محض»، دولت یا منصب امامت را می‌توان مثال زد که مالک «انفال» و امثال آن می‌باشد. نگرش عقلایی به شخصیت معنوی، صرفاً در ثبوت حق و ملک متوقف نمی‌شود بلکه دارای گستره‌ای بیشتر بوده و دامنه‌ی آن به ثبوت حق و دین، به ویژه در شخصیتی معنوی همچون دولت می‌رسد.

انواع نظام مالی حاکم بر روابط مالی زن و شوهر

یکی از مباحث مطروحه در علم حقوق که ریشه در حقوق فرانسه دارد عبارت از انواع رژیم مالی حاکم بر روابط مالی افراد خانواده می‌باشد. رژیم مالی عبارت است از: «قواعد وسیع به هم پیوسته و پیچیده‌ای که دارای مبنای قانونی یا قراردادی بوده و هدف آن تنظیم وضعیت مالی زوجین در روابط آن دو با یکدیگر از یک طرف و روابط آن دو با اشخاص ثالث از طرف دیگر می‌باشد».^۱

۱) ولایت مرد بر دارایی زن

این رژیم، قدیمی‌ترین رژیم مالی است. در این رژیم مالی، مرد بر دارایی همسر خود ولایت کامل دارد و زن، محجور شناخته می‌شود؛ یعنی زن حق دارد مالک شود اما صلاحیت اداره‌ی اموال خود را ندارد. زن در این رژیم مالی همانند صغار است یعنی همان‌طور که کودک نابالغ نمی‌تواند در اموال و دارایی خود تصرف کند و محجور شناخته می‌شود زوجه نیز چنین است و مرد بر دارایی او ولایت کامل دارد. این رژیم مالی تا اواخر

۱- محمدی، عباس؛ رژیم مالی خانواده در ایران و فرانسه، شماره‌ی ۲۴، مجله‌ی کتاب زنان، ۱۳۸۸، ص ۴۰.

قرن نوزدهم در حقوق کشورهای اروپایی به رسمیت شناخته می‌شد و آنها زن را محجور می‌شناختند. اما از اواخر قرن نوزدهم کم‌کم سلطه‌ی مرد بر دارایی زن منتفی و این رژیم به تدریج از قوانین کشورها خارج شد.

۲) اشتراک دارایی‌ها

نظام اشتراک دارایی‌ها، خود به دو قسم تقسیم می‌شود.

۲-۱) اشتراک کامل دارایی‌ها

در این رژیم مالی که معروف به رژیم «اشتراک اموال» است زن و شوهر نسبت به دارایی‌ها و اموال خود، مالکیت مشاع دارند؛ به عبارت دیگر، در این رژیم هیچ کدام از آنها اموال و دارایی اختصاصی ندارند. اموالی که زن یا شوهر قبل از ازدواج داشته‌اند و یا اموالی که هر یک از آنها پس از ازدواج به دست آورده‌اند اعم از منقول و غیرمنقول، در یک سبد مشترکی ریخته می‌شود که مالکیت زوجین بر آن مشترک و مشاع است. مثلاً اگر پس از ازدواج، ارثی به زن برسد شوهر نیز در آن میراث به نحو مشاع شریک می‌شود و یا هر دارایی که شوهر بر اثر کار خود کسب کند زن نیز در آن به نحو مشاع سهم دارد. این مطلب در مورد اموالی که شوهر یا زن قبل از ازدواج داشته‌اند نیز صادق است.

۲-۲) اشتراک نسبی دارایی‌ها

در این رژیم مالی، زن و شوهر در بعضی از اموال خود شریک بوده و مالکیت مشاع دارند و در مورد بعضی دیگر از اموال، مالکیت مستقل خود را حفظ می‌کنند؛ در واقع در این رژیم مالی، اموال و دارایی‌های زن و شوهر به سه دسته تقسیم می‌شوند:

دسته‌ی اول، اموال اختصاصی شوهر؛ دسته‌ی دوم، اموال اختصاصی زن و دسته‌ی سوم، اموال مشترک طرفین را شامل می‌گردد.

شاید بتوان این‌گونه فرض کرد که زوجین، مالکیت مستقل خود را بر اموالی که قبل از ازدواج داشته‌اند بعد از ازدواج نیز حفظ می‌کنند و در مورد تملکات بلاعوض مثل ارث، هبه و ... نیز چنین است. اما در سایر موارد، از مالکیت مشترک برخوردار می‌باشند.

۳) افتراق کامل دارایی‌ها (استقلال مالی زوجین)

در این رژیم مالی، برخلاف رژیم مالی اشتراک اموال، هر یک از زن و شوهر نسبت به

دارایی خود دارای استقلال کامل است؛ به بیان دیگر، زن نیز همانند مرد، بر دارایی خود سلطه دارد و وی علاوه بر اینکه می‌تواند مالک اموالی باشد می‌تواند هرگونه تصرفی که بخواهد، اعم از انتفاع یا انتقال، نسبت به دارایی خود انجام دهد.

در این رژیم، زن و شوهر، مالکیت خود را بر اموالی که چه قبل و چه بعد از ازدواج داشته‌اند حفظ می‌کنند (برخلاف رژیم اشتراک کامل). مثلاً ارثی که به زن رسیده است ربطی به شوهر ندارد و زن در مالکیت و تصرف در آن از استقلال کامل برخوردار است.

استقلال مالی به این معناست که زوجین پس از ازدواج (در دوران زندگی زناشویی)، هر یک از دارایی جداگانه‌ای برخوردارند. اموال زن و مرد دارایی مشترکی را تشکیل نمی‌دهند و زن پس از عقد نکاح، در اداره، تنظیم و تصرف اموال و دارایی‌ها یا اموال مکتسبه در دوران زناشویی، استقلال کامل دارد و می‌تواند هرگونه تصرف مادی و حقوقی نسبت به آن داشته باشد. ریاست شوهر بر خانواده، دخالت وی در اموال زوجه را تجویز نمی‌کند و پس از انحلال نکاح هم هیچ‌گونه دارایی مشترکی آن‌گونه که امروزه در حقوق کشورهای غربی مرسوم است به وجود نخواهد آمد. اگر اختلاطی در اموال زن و مرد به وجود آید در صورت عدم امکان اثبات مالکیت از طرف هر یک از زوجین، باید همانند اموال مشاع قهری بین آنها تقسیم شود.

دیدگاه فقیهان

سؤالی که مطرح است این است که از میان رژیم‌های گوناگونی که در خصوص تنظیم روابط مالی زن و شوهر وجود دارد فقهای شیعه، کدام رژیم مالی را برگزیده‌اند و مستند ایشان چیست؟ در پاسخ به سؤال، نخست باید گفت به نظر می‌رسد نظر برگزیده در فقه شیعه در مورد روابط مالی زوجین، «استقلال مالی زوجین» یا همان افتراق کامل دارایی‌های زن و شوهر است.

وقتی انسان به سن بلوغ، عقل و رشد می‌رسد از تحت ولایت پدر خارج می‌شود و خود توان اداره‌ی اموال خود را پیدا می‌کند و از این پس هیچ‌کس نمی‌تواند بدون اجازه‌ی وی در اموالش تصرف نماید و عقد ازدواج نیز هیچ تأثیری در رابطه‌ی مالی زوجین ایجاد نمی‌کند و زن و مرد پس از عقد نیز همانند پیش از عقد، از نظر مالی استقلال دارند. هرچند عقد ازدواج برای زن ایجاد حقوق می‌کند و تکالیفی مثل پرداخت نفقه یا مهریه را بر عهده‌ی شوهر می‌گذارد اما این به معنای مالکیت مشاع زن و شوهر و سهیم بودن زن

در دارایی شوهر نیست و نیز درست است که ریاست خانواده از خصایص شوهر است اما این به معنای ولایت شوهر بر دارایی زن نیست. در هر حال امتیاز نظام حقوقی اسلام و فقه بر نظام‌های دیگر در خصوص روابط مالی زوجین، اولاً در اعطای استقلال کامل مالی به زن است و ثانیاً در تقدّم تاریخی اعلام استقلال مالی زن است.

در حقوق مدنی ایران به پیروی از فقه امامیه، افتراق اموال، تنها رژیم مالی پذیرفته شده در ترتیب اموال زوجین است و زن می‌تواند در اموال خود از قبیل جهیزیه، ارث و ... آزادانه تصرف نموده و هرگونه عمل مادی و حقوقی را نسبت به آنها انجام دهد؛ به بیان ساده‌تر، زن در اداره‌ی اموال خود از اهلیت کامل برخوردار است. این مطلب به‌طور صریح در قانون مدنی بیان شده است: «زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند».^۱

این درحالی است که در حقوق کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، حتی در رژیم‌های افتراقی (جدایی اموال) تا قبل از قانون ۱۹۶۵م، اداره‌ی اموال فقط با شوهر بود و زن علی‌رغم مالکیت بر اموال خود، بدون رضایت شوهر حق تصرف در آن را نداشت.^۲

نمونه‌هایی از نظام‌های اشتراک اموال

برای روشن‌تر شدن موضوع بحث، به قوانین چند کشور که نظام اشتراک اموال را پذیرفته‌اند اشاره می‌کنیم.

(۱) حقوق فرانسه

نظام‌های اشتراک اموال در حقوق فرانسه به دو نوع تقسیم شده‌اند.

۱-۱) نظام‌های اشتراک قراردادی

نظام‌های اشتراک قراردادی اموال، به دو صورت پیش‌بینی شده است که به اختصار بیان می‌گردد:

۱-۱-۱) نظام اشتراک کامل

در رژیم اشتراک کامل یا اشتراک مطلق اموال، دارایی زوجین در زمان عقد و آنچه که در

۱- قانون مدنی؛ ماده‌ی ۱۱۸.

۲- مروارید، محمدرضا؛ مقاله‌ی بررسی روابط مالی زوجین. ر.ک: <http://mahanlow.blogfa.com>

طی نکاح، هر یک از زوجین به دست می‌آورند جزء اموال مشترک آنها محسوب می‌شود و این اموال مشترک، پس از انحلال نکاح، به طور مساوی بین زن و شوهر تقسیم می‌شود. لذا جامع بودن این نوع رژیم نسبت به شمول مجموعه‌ی مشترک، به تمامی اموال زوجین بر می‌گردد. اما این امر، مانع تشکیل اموال اختصاصی در برخی از زمینه‌های معین نیست. این استعداد و قابلیت، بر ترکیب دارایی و دیون در اموال مشترک حکومت می‌کند. اشتراک، در قلمروی دارایی اصولاً به تمامی اموال زوجین، فارغ از منشأ و ماهیت آنها گسترش می‌یابد. اشتراک، نه تنها دارایی‌ها را شامل می‌شود بلکه بدون تفکیک بین اموال منقول و غیرمنقول، کلیه‌ی اموال تحت تصرف زوجین را در روز ازدواج یا درآمدهای بلاعوض آنها را از روز ازدواج شامل می‌شود؛ لذا علاوه بر درآمدهای شخصی، کلیه‌ی اموال زوجین اعم از اموال حاضر، آینده، منقول و غیرمنقول را شامل می‌شود.

۲-۱-۱) نظام اشتراک اموال منقول و دارایی‌ها

مجموعه‌ی مشترک، مطابق این رژیم مشتمل است بر تمامی اموال منقول اعم از زمان ازدواج و پس از آن و همچنین دارایی‌ها یعنی اموالی که به صورت معوض در طول ازدواج و با استفاده از درآمدهای حرفه‌ای (شغلی) یا عایدات ناشی از اموال اختصاصی به دست آمده است؛ به عبارت دیگر، مطابق قانون سال ۱۸۰۴م فرانسه، بخش مشترک، شامل کلیه‌ی دارایی‌هایی است که به وسیله‌ی زوجین در دوران ازدواج، کسب می‌شود و اموال ناشی از ارث و هبه، خارج از این اموال قرار دارد. تمام منابع مالی زوجین اعم از عایدات، دستمزدها و درآمد ناشی از سرمایه، داخل در اشتراک می‌شود.

۲-۱-۲) نظام اشتراک قانونی

در این رژیم، اموال مشترک شامل تمام دارایی‌هایی است که زوجین در طول ازدواج به دست می‌آورند و پس از انحلال، به صورت مساوی بین زوجین یا وراث آنها تقسیم می‌شود. در این نظام، اشتراک بدان معناست که زوجین در عواید ناشی از کار و سرمایه، با هم شریک‌اند و از آن جهت، قانونی نام نهاده شده است که در صورت فقدان قرارداد ازدواج، قانون آن را بر روابط زوجین حاکم کرده است. این رژیم که از ۱۳ ژوئیه‌ی ۱۹۶۵م به عنوان رژیم قانونی فرانسه برگزیده شده است حاوی تحولات مهمی در مقررات حاکم بر روابط مالی زوجین و به عنوان قانون حاکم بر اکثریت قاطع زوجین

فرانسوی می‌باشد؛ از همین رو لازم است که سیر اصلاح و تدوین قانون ۱۹۶۵ م مورد بررسی قرار گیرد.

مقررات عمومی تقسیم بندی اموال

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، اموال زوجین در رژیم‌های اشتراک اموال، به سه دسته‌ی (۱) اموال اختصاصی مرد (۲) اموال اختصاصی زن (۳) اموال مشترک، تقسیم می‌شوند. مفهوم و معیار چنین تقسیم‌بندی و همچنین چگونگی بهره‌برداری از این اموال، حایز اهمیت فراوان است. برابر اصل آزادی حاکم بر رژیم‌های مالی، زوجین با توجه به تصویری که از آینده‌ی خود دارند می‌توانند وضعیت دارایی‌ها و دیون خود را تعیین نمایند. چنانچه این مهم از سوی زوجین انجام نگیرد بدیهی است که قانون باید معیارها را در صورت فقدان قرارداد، تعیین نماید.

یک اصل اولیه در همه‌ی رژیم‌های اشتراک اموال وجود دارد که می‌گوید: تمام اموال زوجین جزء مال مشترک است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. بنابراین فقط نظام اشتراک کامل که در آن تمام اموال مشترک هستند با این اصل مطابقت دارد؛ هرچند مطابق ماده‌ی ۱۴۰۴ قانون مدنی فرانسه، استثنایی هم در این مورد وجود دارد.

در مورد دو رژیم اصلی اشتراک اموال که قانون‌گذار پیش‌بینی کرده است، یکی رژیم اشتراک اموال منقول و دارایی‌ها که تدوین‌کنندگان قانون مدنی ۱۸۰۴ م آن را رژیم قانونی قلمداد نموده بودند و دیگری رژیم اشتراک دارایی‌های مکتسبه در دوران ازدواج یا رژیم اشتراک دارایی‌ها که از زمان اجرای قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۶۵ م به عنوان رژیم قانونی محسوب گردید، این معیارها در صورتی قابل اعمال هستند که شرط اشتراک کامل یا شرط وحدت اداره‌ی اموال، وجود نداشته باشد.^۱

(۲) حقوق مصر

در قانون مدنی مصر به تبع بسیاری از کشورهای عربی، تحت عنوان مالکیت خانواده «ملکية الأسرة» چنین آمده است:

اعضای خانواده می‌توانند به صورت کتبی، قرارداد مالکیت خانواده را تنظیم و کل یا

۱- محمدی، عباس؛ رژیم مالی خانواده در ایران و فرانسه، ص ۴۵.

بعضی از اموال موروثی یا اموال دیگر را ملک خانواده قرار دهند. مدت مالکیت خانواده از پانزده سال بیشتر نمی‌باشد و قبل از سپری شدن این زمان، هریک از شرکا می‌تواند از دادگاه، اذن برداشتن سهم خود را تقاضا کند. مادامی که ملکیت خانواده پابرجاست شرکا نمی‌توانند تقاضای تقسیم نمایند و فرد خارج از شرکت نمی‌تواند در سهم هیچ‌یک از آنها تصرف کند مگر با موافقت همه‌ی شرکا. شرکا از بین خودشان یک یا چند نفر را به عنوان مدیر انتخاب می‌کنند و سایر احکام مالکیت خانواده، تابع قواعد ملک مشاع و وکالت خواهد بود.^۱

دکتر سنهوری در مقام شرح مواد یاد شده می‌نویسد: «از این مواد استفاده می‌شود که مالکیت خانواده به صورت مشاع بودن اموال بین افراد خانواده، در قانون مدنی مصر پذیرفته شده و هدف از انشای مالکیت برای خانواده ممکن است این باشد که همگی با هم یک کار مشترک دارند یا مصلحت اقتضا کند تا دست به چنین تأسیس حقوقی بزنند و باید یک مرکز خاص برای این امر دایر شود و حکم کند به اینکه تا مالکیت خانواده باقی است شرکا حق ندارند تقاضای سهم خود را نمایند. همچنین هیچ شریکی نمی‌تواند بدون اجازه‌ی سایر شرکا به فرد اجنبی اجازه‌ی تصرف در اموال مشاع را بدهد. برای اداره‌ی اموال، از بین شرکا مدیری انتخاب می‌شود. چنانچه به هر دلیل، مالی جایگزین اموال متعلق به خانواده گردد جزء اموال خانواده به حساب می‌آید.^۲

۳) حقوق تونس

قانون شماره‌ی ۹۴ کشور تونس، در فصلی با عنوان «الاشتراک فی الاملاک بین الزوجین» مقررات مربوط به این نظام را به تفصیل بیان می‌نماید که ترجمه‌ی بخش‌هایی از آن چنین است:

«انگیزه‌ی احداث نظام اشتراک عبارت است از تحوّل در زندگی خانوادگی و مشارکت

۱- قانون المعاملات المدنیة (رقم: ۵ / ۱۹۸۵) الكتاب الثالث - الحقوق العینیة الأصلیة . الباب الأول - حق

الملکیة . الفصل الأول - حق الملکیة بوجه عام . الفرع الثالث - الملکیة الشائعة . ملکیة الأسرة .

۲- السنهوری، عبدالرزاق احمد؛ الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، ج ۸، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۸۳، ص ۲۶۸: «و نرى من هذه النصوص أن ملكیة الأسرة مال شائع بین أفراد الاسرة و قد خصص لغرض

معین يرجع الی وحدة العمل أو المصلحة التي تجمع ما بین الافراد الاسرة...».

زن در اقتصاد خانواده. نظام اشتراک در املاک، نظامی است اختیاری و از سه جهت زوجین مختار هستند:

الف) از جهت اختیار و انتخاب اصل این نظام.

ب) انتخاب زمان شروع اشتراک و پایان آن.

ج) زوجین حق دارند مصادیق اموال مشترک را با توافق خود توسعه دهند.

اموالی که مشمول این نظام نمی‌شوند عبارتند از: میراث و مهریه. انتخاب نظام اشتراک از سوی زوج محجور، متوقف است بر موافقت ولی و نماینده‌ی قانونی و در صورت امتناع آن دو، تصمیم با دادگاه می‌باشد. نظام اشتراک فقط اموال غیرمنقول را شامل می‌شود. کیفیت اداره‌ی املاک مشترک و نحوه‌ی تصرف در آن به گونه‌ای است که هر یک از زوجین می‌تواند هر اقدامی را در راستای حفظ املاک مشترک انجام دهد. هرگونه بخشش اموال به صورت تبرعی باید با موافقت زوجین باشد و آلا صحیح نیست. زوجین در بدهی‌های مربوط به مال‌الشرکه شریک هستند. عوامل خاتمه‌ی اشتراک و تصفیه‌ی اموال مشترک و تقسیم آن عبارتند از: وفات یکی از زوجین، طلاق، فقدان یکی از زوجین، تفریق قضایی یا توافقی املاک.^۱

شخصیت حقوقی خانواده

۱) دیدگاه حقوق تطبیقی

بعد از بیان مطالب فوق، این سؤال مطرح می‌شود که آیا بین شخصیت حقوقی و مالکیت خانواده ارتباطی وجود دارد؟ به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از حقوقدانان (حتی حقوقدانان کشورهای که نظام اشتراک اموال را قبول نموده‌اند) نتوانسته‌اند پاسخ مثبتی به این پرسش بدهند؛ زیرا نظام اشتراک در اموال بین زن و شوهر، شرکت نیست و در قوانین برخی از کشورها، شرکت را این‌طور تعریف کرده‌اند: «الشركة اتفاق بین شخصین أو اکثر علی خلط اموالهم و اعمالهم أو احدهما فقط بقصد الإشتراك فیما یتحصل من ربحهما».^۲

۱- القانون عدد ۹۴ لسنة ۱۹۹۸ المؤرخ فی ۹ نوفمبر ۱۹۹۸ المنشور بالرائد الرسمي للجمهورية التونسية عدد ۹۱ المؤرخ فی ۱۳ نوفمبر ۱۹۹۸.

۲- مجلة الالتزامات والعقود، الفصل ۱۲۴۹، المجلة القانونية التونسية، ص ۲۴.

«شرکت» عبارت است از توافق دو یا چند نفر بر اختلاط اموال و اعمال یا یکی از آن دو با هدف اشتراک در سود حاصل از آن دو. از تعریف «شرکت» چنین برداشت می‌شود که هدف از تشکیل آن، سودآوری است. حال آنکه در خانواده، هدف از اشتراک زن و شوهر در اموال یا املاک، تجارت نیست تا تحصیل سود، هدف نهایی باشد بلکه مقصود آن است که چون زن هم در اقتصاد خانواده نقش مستقیم یا غیرمستقیم ایفا می‌کند لذا در املاک یا اموال با شوهرش شریک باشد و از طرفی نمی‌توان گفت نظام اشتراک در اموال یا املاک بین زن و شوهر، یک مؤسسه‌ی حقوقی است؛ زیرا مؤسسات حقوقی هم با اهداف خاصی تشکیل می‌شوند که در قانون پیش‌بینی شده است. بنابراین، نظام اشتراک دارایی زن و شوهر، نظام خاصی است و با شرکت و مؤسسه‌ی حقوقی تفاوت دارد.

۲) دیدگاه فقه شیعه و حقوق موضوعه

در مورد استقلال مالی زن از شوهر در فقه اسلامی و حقوق کشورمان، جای هیچ ابهامی نیست. اما با توجه به اینکه شورای عالی قضایی، طی مصوبه‌ای، شرط انتقال تا نصف دارایی را در سند ازدواج گنجانیده است این سؤال مطرح می‌شود که آیا توافق زوجین، امکان اشتراک مالی آنها را فراهم می‌آورد؟ باید به چنین سؤالی به دلیل تعارض آن با فقه شیعه، پاسخ منفی داد؛ زیرا اسباب اشتراک یا شرکت، در فقه شیعه مشخص است و در خارج از این چارچوب نمی‌توان شرکتی را تأسیس نمود.

یکی از تقسیماتی که در فقه برای شرکت بیان گردیده عبارت است از: شركة العنان (الأموال)، شركة الأبدان (الأعمال)، شركة المفاوضة و شركة الوجوه (شرکت اعتبار). از این چهار مورد، فقط شرکت «اموال» و یکی از مصادیق شرکت «اعمال»، آن هم در صورتی که به تبع شرکت اموال به وجود آید و طبق آن، چند نفر به‌طور مشترک عملی را انجام دهند و بر اثر آن مالی به دست آورند صحیح شمرده شده است و بقیه‌ی شرکت‌ها باطل قلمداد شده‌اند.^۱

۱- عاملی، زین‌الدین بن علی بن احمد (شهیدثانی)؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، دارالهادی للمطبوعات، قم، ۱۴۰۳ ق، صص ۲۷۶-۲۷۴.

حال این سؤال مطرح می‌شود که چنانچه نظام اشتراک اموال را به نحوی مطابق با مبانی فقهی تصحیح کنیم آیا می‌توان در این فرض قایل به شخصیت حقوقی چنین شرکتی شد؟

در پاسخ باید گفت: چنانچه اشتراک زوجین در اموال را به صورت شرکت «اعمال» یا «مفاوضه» بپذیریم این شرکت‌ها جزء شرکت‌های مدنی محسوب خواهند شد؛ حال آنکه در قانون کشور ما برای چنین شرکت‌هایی شخصیت حقوقی پیش‌بینی نشده و قانون تجارت فقط شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری را به رسمیت شناخته است.

مسأله‌ی دیگری که مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان رژیم اشتراک اموال را به صورت شرط ضمن عقد، جایگزین رژیم استقلال اموال در نظام حقوق اسلام و ایران نمود؟ اگر پاسخ مثبت باشد زن همانند شوهر و به میزان سهم او در دارایی و درآمدهای مرد سهیم می‌شود؛ بنابراین زوجه در ضمن عقد ازدواج شرط می‌کند که درآمدهای دوران زوجیت، مشترک باشد که در صورت پذیرش شوهر، رژیم اشتراک اموال، جایگزین رژیم استقلال اموال خواهد شد.

اما واقعیت آن است که صحت چنین شرطی در ضمن عقد ازدواج مورد تردید است؛ زیرا همان‌طور که گفتیم: اسباب اشتراک اموال در فقه کاملاً مشخص است و توافق زوجین در ضمن عقد ازدواج مبنی بر اشتراک اموال، در قالب هیچ‌یک از اقسام شرکت قرار نمی‌گیرد و نظام حقوقی اسلام، رژیم اشتراک اموال را نمی‌پذیرد. علاوه بر تحلیل مذکور، برخی از حقوقدانان مانند دکتر کاتوزیان، در کتاب *مختصر حقوق خانواده*، معتقدند که اصل امری بودن قوانین باب نکاح، مانع نفوذ چنین شرطی در عقد ازدواج است؛ به عبارت دیگر، وی معتقد است اصل استقلال اموال زوجین، یک قاعده‌ی امری است که شرط خلاف آن نافذ نمی‌باشد.^۱

۱- مروارید، محمدرضا؛ مقاله‌ی بررسی روابط مالی زوجین. ر.ک: <http://mahanlow.blogfa.com>

نتیجه

خانواده، در میان تمامی جوامع بشری، به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و منشأ تمدن و تاریخ بشر بوده است. پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین و حمایت از جایگاه واقعی و متعالی آن همواره سبب اصلاح جامعه و از سوی غفلت از آن موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه‌ی هلاکت و ضلالت بوده است. اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز، بیشترین عنایت را به تکریم و استحکام پایه‌های خانواده دارد و این نهاد مقدس را کانون تربیت، مودت و رحمت می‌شمارد و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای مادی، عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به سکون و آرامش برمی‌شمارد. دستیابی به این اهداف والای مکتب اسلام و حفظ و حراست دقیق و مستمر از آن، نیازمند توجه جدی به خانواده و پیاده کردن قوانین اسلامی مرتبط با آن است. یکی از چالش‌های مهم خانواده، خصوصاً در عصر حاضر، مباحث مربوط به مالکیت است. از نظر اسلام، انسان‌ها از زن و مرد دارای حق مساوی در کسب و کار و مالکیت هستند و در این بخش میان همسران تفاوتی نیست.

آنچه از این نوشتار به عنوان نتیجه به دست می‌آید این است که زن و شوهر به عنوان دو عضو اصلی خانواده، در مالکیت استقلال دارند. در عین حال با سازوکارهای مناسبی که در فقه پیش‌بینی شده است از قبیل اجرت‌المثل و ... می‌توان زوجه را مورد حمایت قرار داد. در موارد اختلاف در مالکیت نیز علاوه بر قواعد عام برای اثبات مالکیت، فقها به صورت خاص در این مورد وارد شده و مطالب مهم و کاربردی مانند تنازع در متاع‌البیت را مطرح نموده‌اند. البته از آنجا که یکی از ارکان خانواده، فرزندان می‌باشند در رابطه با مالکیت آنان نیز در فقه به صورت مبسوط احکام مترقی از قبیل مطالب مربوط به حجر و امور حسبی بیان شده است که ما در حد بضاعت و توان اشاره نموده‌ایم.

در مورد نتیجه‌ی بحث شخصیت حقوقی خانواده نیز باید گفت: قائل شدن به شخصیت حقوقی برای خانواده، در فرض پذیرش نظام اشتراک اموال مطرح می‌شود؛ حال آنکه در فقه شیعه و در قوانین کشور ما، نظام حاکم عبارت از نظام استقلال افراد خانواده در مالکیت است و شرط انتقال تا نصف دارایی نیز به معنای پذیرش نظام اشتراک اموال نمی‌باشد؛ لذا جایگزین کردن رژیم اشتراک اموال به صورت شرط ضمن عقد به جای رژیم استقلال اموال، مورد تردید است؛ زیرا اسباب اشتراک اموال در فقه کاملاً مشخص است و هیچ‌کدام با مورد بحث ما تطابق ندارد. بنابراین در فقه و حقوق موضوعه، قایل شدن به شخصیت حقوقی برای خانواده، موضوعاً منتفی است.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم؛ الهادی، ۱۳۸۶.
- ۲- ابن منظور، محمد بن مكرم؛ *لسان العرب*، چاپ سوّم، دار صادر، بيروت، ۱۴۱۴.ق.
- ۳- انصاری، شیخ مرتضی؛ *رسائل*، چاپ اول، کنگره‌ی شیخ انصاری، قم، ۱۴۱۵.ق.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ *ترمینولوژی حقوق*، چاپ چهارم، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۶۸.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ *مقدمه‌ی عمومی علم حقوق*، گنج دانش، تهران، ۱۳۶۱.
- ۶- جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی‌شاهرودی، سیدمحمود؛ *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*، جلد سوّم، چاپ اول، مؤسسه‌ی دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، ۱۴۲۶.ق.
- ۷- خویی، ابوالقاسم؛ *مصباح الفقاهه*، چاپ اول، انتشارات داوری، قم، بی تا.
- ۸- السنهوری، عبدالرزاق احمد؛ *الوسیط فی شرح القانون المدني الجديد*، ج ۸، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۸۳.
- ۹- صفایی، سیدحسین؛ *دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی*، جلد اول، چاپ اول، انتشارات مدرسه‌ی عالی حسابداری، ۱۳۵۰.
- ۱۰- عاملی، باقر؛ *حقوق خانواده*، چاپ اول، مدرسه‌ی عالی دختران ایران، ۱۳۵۰.
- ۱۱- عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (شهیدثانی)؛ *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، دارالهادی للمطبوعات، قم، ۱۴۰۳.ق.
- ۱۲- القانون عدد ۹۴ لسنة ۱۹۹۸ المؤرخ فی ۹ نوفمبر ۱۹۹۸ المنشور بالرائد الرسمي للجمهورية التونسية عدد ۹۱ المؤرخ فی ۱۳ نوفمبر ۱۹۹۸.
- ۱۳- قانون المعاملات المدنية [المصر] (رقم: ۵ / ۱۹۸۵).
- ۱۴- کاتوزیان، ناصر؛ *دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی (اموال و مالکیت)*، چاپ پنجم، انتشارات مدرسه‌ی عالی حسابداری، تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۵- مجلة الالتزامات و العقود، الفصل ۱۲۴۹، المجلة القانونية التونسية.
- ۱۶- محمدی، عباس؛ *رژیم مالی خانواده در ایران و فرانسه*، شماره‌ی ۲۴، مجله‌ی کتاب زنان، ۱۳۸۸.
- ۱۷- مروارید، محمدرضا؛ *مقاله‌ی بررسی روابط مالی زوجین*. ر.ک:

<http://mahanlow.blogfa.com>

Family property
(Family as the legal entity)

Musa Rahimi*
Reza Rahimi Dehsuri**

Received:10/2/2015 Accepted:1/3/2015

Abstract:

representation in family property since the peace of mind and financial security are the spouses is of great importance. In this article, expressing a variety of financial relationships between couples that is: (a) male guardianship over women (b) Share of assets (c) segregation of assets and statutory rights jurisprudence that the full decoupling of assets independent of each woman and man by stating that women, like men, their property rule and can do any kind of capture that wants to own property. The couple owned the property before marriage had they maintain (unlike the regime of full subscription) and on the property, each of them gain after marriage is the same. And in the end, the family institution, as a legal entity has been paid.

Keywords: family, Property, the legal entity, Couples financial independence.

* Judge and Ph.D of Seminary Qom.
ahmadrahimi3000@gmail.com

** Judge and Ph.D student of Jurisprudence and law at Qom University.
rezarahimi127@yahoo.com